

برخیز و درخشان شو، زیرا که نور تو آمده، و جلال خداوند بر تو طلوع کرده است. زیرا اینک تاریکی زمین را فرو خواهد گرفت، و ظلمت غلیظ قومها را خواهد پوشانید. اما خداوند بر تو طلوع خواهد کرد، و جلال او بر تو نمایان خواهد شد. 3 قومها به سوی نور تو خواهند آمد، و پادشاهان به سوی درخشش طلوع تو. 4 چشمان خود را به اطراف خویش برافراز و ببین: ایشان همه گرد آمده، نزد تو می آیند؛ پسرانت از دور دستها خواهند آمد، و دخترانت در آغوش حمل خواهند شد. 5 آنگاه خواهی دید و خواهی درخشیدی، و دلت از فرط شادی خواهد



لرزید. ثروت دریاها به تو واگذار خواهد شد، و دولت قومها به تو خواهد رسید. 6 انبوه شتران سرزمین تو را خواهد پوشانید، یعنی شتران میدیان و عَفَه. اهل صَبَا جملگی آمده، طلا و کُنْدُر با خود خواهند آورد، و ستایش خداوند را مژده خواهند داد.

من فانوس های دریایی را خیلی دوست دارم! من آنها را دوست دارم زیرا می توان به آنها اعتماد کرد. آنها عمدتاً سر کوهی مرتفع هستند و بسیار دور دیده می شوند. آنها بدون وقفه و خستگی ناپذیر نور خود را می تابانند. نور آنها از خطرات آگاه می سازند و در عین حال آنها نشانه ی امید هم هستند. آنها کشتی ها را در برابر خطرات هشدار می دهند و آنها را همچنین به یک بندر امن راهنمایی می کنند که نزدیک است. مهم است که کشتی ها به سیگنال های فانوس دریایی اعتقاد داشته باشند. اگر این کار را نکنند، در معرض خطر بزرگ هستند یا مقصد خودشان را در تاریکی نمی یابند. ما انسان ها مانند کشتی هایی هستیم که باید در تاریکی سفر کنیم. اگر در تاریکی رانندگی کنیم و فانوس دریایی نداشته باشیم که به ما هشدار دهد و راه را به ما نشان دهد، خیلی زود گم خواهیم شد یا حتی تصادف سنگینی خواهیم کرد. هر کسی معتقد باشد که به نور احتیاج ندارد و یا حتی معتقد باشد که خودش نور راستی است، باید گمراه شود یا مثل کشتی نابود شود. اما هر کسی که بتواند نور را که در بالای کوه قرار دارد ببیند و به آن ایمان داشته باشد، از خطرات اطلاع دارد و همچنین از پناهگاه امن که نزدیک است اطلاع دارد. عزیزان! ما انسان ها اکنون می توانیم تمام جهان را با چراغ های الکترونیکی خود روشن کنیم. ما همچنین ابزارهای فنی بسیار هوشمندانه ای برای برقراری ارتباط با یکدیگر داریم. از طریق گوگل، Googlemaps، ویکی پدیا و سایر رسانه ها، می توانیم خیلی خوب در دنیای خود جهت گیری کنیم. نکته ی کنایه دار این است که با وجود اطلاعات فراوان و با وجود نور فراوان در کل دنیا ما کمتر و کمتر می دانیم چگونه بین حقیقت و عدم حقیقت تفاوت قائل شویم. به خصوص اخیراً غیرقابل باور است که چقدر اطلاعات نادرست در اینترنت پخش می شود. حتی باور نکردنی تر اینکه مردم هنوز به این اطلاعات غیر واقعی اعتقاد دارند! ما واقعاً گم شده ایم و در معرض خطر غرق شدن هستیم.

فانوس های دریایی یک درس مهم به ما می دهند. آنها بدون تردید به ما نشان می دهند چه اصولی مهم هستند. ناخدای کشتی می داند که چراغ های کشتی دیگر ملاک رهنمایی نیستند. او هم درک می کند که نمی تواند با چراغ های خودش جهت گیری کند. او باید کاملاً به نور فانوس دریایی ایمان داشته باشد و حواس خود را از آن پرت نکند. زیرا فقط نور آن به طور محکم و ایمن به مقصد درست جهت گیری می کند. عزیزان! ما نور حقیقی نیستیم. تنها خداوند نور حقیقی است! و تنها اوست که در روز اول آفرینش فرمود: «روشن شو» و روشنایی شد! در طول تاریخ بشر، خداوند اجازه داده است که نورش بارها و بارها به انسان روشنایی بدهد. او سخنان خود را با انبیا بیان کرد. این کلمات چراغهایی در تاریکی بودند. امروز در متن خطبه ما، این اشعیا نبی بود که سخنان خدا را اعلام کرد. در آن زمان اسرائیل دیگر نور خدا را نمی دید. معبد اورشلیم ویران شده بود. کل شهر در تاریکی بود. و سپس این کلمات شگفت انگیز آمد:

«برخیز و درخشان شو، زیرا که نور تو آمده، و جلال خداوند بر تو طلوع کرده است.»

در این سخنان اشعیا یک نقطه عطف شگفت آور اتفاق افتاده است. خداوند که فقط نور است، به قوم خود می گفت: «درخشان شو!» و چرا؟ زیرا «نور تو آمده، و جلال خداوند بر تو طلوع کرده است... نور واقعی خدا است! خدا دروغ نگفت. تمام آنچه که گفته است تحقق یافت. اسرائیل توسط کوروش پادشاه ایران به شهر خود برگردانده شدند. معبد زیبا

در اورشلیم بازسازی شد. و مردم از سراسر جهان به آنجا زیارت کردند. اما نور حقیقی باید فقط بعداً آشکار می شد. نور خدا وقتی عیسی آمد کاملاً آشکار شد. وقتی عیسی آمد، نوری در اسرائیل طلوع کرد. او به گونه ای سخنرانی می کرد که مردم حضور فوری خداوند را احساس می کردند. او با شفای بیماران و زنده کردن مردگان مرز بین مرگ و زندگی را می شکست. این امر باعث می شد تا مردم بتوانند خدا را در میان خود تجربه کنند. عیسی فقط از نور صحبت نکرد. او خودش همین نور بود. در این روند اتفاق شگفت انگیزی رخ داده است. مردم تنها نمی توانستند چیزها را در نور عیسی بهتر درک کنند، بلکه می توانستند خودشان را بهتر درک کنند. و امروز هم همین طور است. هر کسی که عیسی را بشناسد با دو واقعیت بسیار ساده روبرو است. اولین واقعیت این است که او درک می کند که خودش نور نیست. و واقعیت دوم این است که عیسی همان نور حقیقی است. نکته ی شگفت انگیز این است که با وجود این دانش، مردم تاریکی را ترجیح می دهند. برخلاف ناخدای کشتی، که به خوبی می داند که نمی تواند لامپ خودش را دنبال کند اما باید سوی فانوس دریایی تمرکز کند، ما انسانها ترجیح می دهیم فانوس خودمان را دنبال کنیم. یوحنا آن را اینگونه توصیف می کند: «حکم این است که نور به جهان آمد ولی مردم به علت کارهای شرارت آمیز خود تاریکی را بر نور ترجیح دادند.» (یوحنا ۳، ۱۹).

عیسی ما را اخطار می کند: «نور ایمان داشته باشید تا بتوانید فرزندان نور شوید.» حتی اعتقاد به عیسی نیز از خود مان بیرون نمی آید. چون ما حتی نمی توانیم عیسی را ببینیم. کسی که ایمان بیاورد نمی بیند! حتی ناخدای کشتی هم نمی تواند بندرگاه امن پشت فانوس دریایی را ببیند و نه راهی را که به آن می رسد. همچنین او نمی تواند سنگ های خطرناک در سمت چپ و راست را ببیند. او فقط نور فانوس دریایی را دنبال می کند. و باور دارد که فانوس دریایی دروغ نمی گوید. و به همین دلیل است که او بندر خود را پیدا می کند. ما نمی توانیم عیسی را ببینیم. اما ما به او ایمان داریم. ما این کار را برای چندین نسل انجام داده ایم. و ما این کار را به گونه ای انجام می دهیم که کمی نور نیز در زندگی خودمان ببینیم. این بدان معناست که گوشه ای از عیسی مسیح و عشق او در زندگی تاریک مان نیز قابل مشاهده است، از این نظر که ما دیگران را دوست داریم و راهنمای آنها هستیم. برای سفر به عیسی به ابزار احتیاج داریم. یک مثال: وقتی در گذشته تصمیم گرفتید به آلمان سفر کنید، حتماً برای آلمان نیز آماده شدید. شاید از خود سوال کرده باشید که آنها در آنجا چه لباسی می پوشند، به چه زبانی صحبت می کنند و در آلمان در واقع چگونه زندگی می کنند. سپس بر این اساس آماده شده اید. حتی در آن زمان، برخی از شما سعی کردید پاسپورت آلمان یا ویزا بگیرید. برای ما مسیحیان همینطور است. ما در راه سفر به خدا هستیم. گذرنامه ما غسل تعمید است: "به نام پدر، پسر و روح القدس" ما تعمید گرفتیم. با این وجود ذات خداوند با نامهای ما پیوند خورده است. خدا چیزی جز حقیقت، وفاداری و عشق نیست. و این زبانی است که ما اکنون در حال یادگیری آن هستیم زیرا می دانیم که در مورد خدا نیز چنین است. در اینجا هنوز در سفر هستیم. ما عدم اطمینان و ترس زیادی را تجربه می کنیم. اما یک چیز قطعی است. و این است که خداوند فانوس های دریایی خود را برای ما در راه قرار می دهد. فانوس دریاها کلام اوست. این کلام همیشه قابل اعتماد است و هرگز تغییر نمی کند. و به همین دلیل ما دقیقاً مانند ناخدای کشتی هستیم که فانوس دریایی را می بیند و از قبل با اطمینان می گوید که مقصد تقریباً آنجاست! بوی خانه در حال حاضر در هوا احساس می شود! نور خدا به سمت ما می تابد. آمین